صلح نوشت

عکس: جام جم

ما هنوز به آرامش نرسیده‌ایم!

محمدعلی بهمنی
شاعر

باورم به من می‌گوید، برای درک و فهمیدن هر چیز باید با آن زندگی کرد. جنگ با همه جایگاهی که می‌تواند در ادبیات ما داشته باشد، خودش برای صلح جایگاه‌ساز است. به این ترتیب اگر درباره جنگ صحبت نکنیم و درباره شناخت جنگ مکث نکرده باشیم، طبیعتا نه صلح را به خوبی شناخته‌ایم و نه می‌توانیم آن را تعریف کنیم. وقتی انسان چرایی چیزی را که امروزه مشکل اصلی جهان است و نام جنگ را بر آن نهاده‌ایم می‌پسندد و روی آن مکث می‌کند، مشخص است که می‌خواهد درمورد جنگ و صلح به شناخت برسد. آن وقت است که تلاش ما می‌شود یک کنکاش ذهنی برای رسیدن به این سوالات: چرا واژه جنگ تا این حد ما را به هراس می‌اندازد؟ راز بودنش چیست؟ این چه‌چیزی است؟ چرا همه‌جا هست؟ بنابراین به حضوری می‌رسیم که نمی‌شود آن را نادیده گرفت. باید باور کنیم بودنش را. همین جاست که مسأله آغاز می‌شود. به باور من، شناخت ذاتی انسان، صلح و خواستن آن است. نه جنگ، حتی اگر با شیر جنگ بزرگ شده باشد و چیزی جز جنگ ندیده باشد، او ذاتا هواخواه جنگ نخواهد بود. آدمی پس از کمی اندیشه متوجه می‌شود چرایی صلح از ابتدای شکل‌گیری جمعیت‌ها و مرزهای جغرافیایی در جهان وجود داشته است. امروز هم همه ما در حال اندیشیدن به این مفهوم هستیم. مسأله این جاست که آنچه در گذشته درمورد جنگ، میان ما جریان داشت، توسط خودمان تجربه نشده بود.

من بعد از جنگ دوم جهانی به دنیا آمدم و بازتاب‌های جنگ تنها چیزی بود که از جنگ به یاد دارم. نسل جوان امروز اما در دل جنگ زیسته است بنابراین نسل بعد از آن می‌خواهد طغیان کند. در خانواده‌های ما تضادهای فراوان در باورمندی وجود دارد. این خودِ جنگ است. ما هنوز به آرامش نرسیده‌ایم و درصدد بیان ابعاد تجربه شده خودمان نیستیم چراکه داریم به معنا می‌رسیم. از همین روست که معتقدم، کسی که با جنگ زندگی کرده باشد به‌خوبی معنای صلح را می‌فهمد. این یک جبهه‌گیری در مقابل کسی است که می‌گوید، آخر چرا باید خودمان را دوباره وارد جنگ کنیم. این آدم جنگ را تجربه نکرده بلکه تمام برداشتش از جنگ حاکی از شنیده‌هاست. جهان باید این مقوله را درک کند. باید بداند کشوری که با جنگ مشغولش داشته‌اند، معنای صلح را می‌داند:

این دست را بگیر،
این دست از تو وام نمی‌خواهد،
این رهسپار پیر جز پاسخ سلام نمی‌خواهد،
این دست را بگیر،
شاید که دست گم شده‌ای باشد،
شاید که مقصد تو همین دست است،
این دست را بگیر حس کن پلی به آن سوی بن‌بست است،
این دست از تو وام نمی‌خواهد،
این رهسپار پیر جز پاسخ سلام نمی‌خواهد...،
شاید که هم‌محله نباشیم! هم‌میهن همیشه که هستیم
از یک تبار و ریشه که هستیم،
این دست را بگیر...

ادامه از ۹

در ایران، فرد از جامعه دور شده است

با تأسی از سخن شما مبنی بر تقلیل یافتن حس مسئولیت اجتماعی در افراد، این تقلیل یافتگی تا چه حد معلول شرایط مختلف اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... است؟

بدون شک تأثیر تمامی مولفه‌هایی که فرمودید، بر کم یا زیاد شدن حس مسئولیت اجتماعی را نمی‌توان نادیده گرفت. زمانی که افراد از هر حیث دارای امنیت خاطر و آرامش باشند، بدون شک به‌سمت مباحث اخلاقی که مسئولیت نیز از آن جمله است، گرایش بیشتری می‌یابند. موارد اخلاقی مانند مسئولیت اجتماعی باید به‌عنوان ارزش در جامعه مورد استقبال قرار گیرند. ارزشی برخورد کردن با چنین مواردی، عاملی خواهد شد تا مورد استقبال افراد جامعه قرار گیرد و استقبال هم عاملی می‌شود که جایگاه و پایگاه مقولاتی از این دست افزایش یابد. از سویی، نظام آموزشی نیز از جمله اصلی‌ترین مولفه‌ها در این راستاست که می‌تواند در این زمینه بسیار موثر عمل کند. زمانی که کودکان ما از ابتدا با مقوله‌ای چون حس مسئولیت‌پذیری آشنایی ندارند و نسبت به آن غریبه‌اند، زمانی که نه در مدارس و نه در خانواده کودکان را به پذیرش مسئولیت کارهایشان وانمی‌داریم و از سویی آنها را با برخی رفتارهای نادرست به‌سمت عدم پذیرش تبعات عملکردشان سوق می‌دهیم؛ دیگر نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که جامعه‌ای اخلاقگرا از آن به‌دست آید. جامعه‌ای که در آن موارد اخلاقی گوناگون با وسواس مورد پذیرش افراد قرار گیرد. به این ترتیب، جدایی بیش از پیش فرد از جامعه محتمل‌تر از گذشته می‌شود و افراد دیگر جامعه را مانند خانه خود نمی‌دانند. جامعه یک کشتی است و اگر حتی نقطه کوچکی از آن سوراخ شود، دیگر به‌راحتی نمی‌توان آن را از خطر غرق‌شدن نجات داد. حال اگر حس مسئولیت درقبال این کشتی وجود داشته باشد، علاوه‌بر آن که امکان سوراخ‌شدنش نیست، بلکه چنانچه خللی وارد شود و کشتی زمانی دچار مشکل شود، افراد برای نجات آن تمامی هم و غم خود را به‌کار خواهند گرفت.

ادامه از ۹

در نقد نقدها علیه جهانی‌شدن

نه به این معنا که قومیت‌ها و فرهنگ‌ها را انکار کنیم، بلکه منظور این است که نباید انگشت را روی چیزهایی که موجب اختلاف و تفاوت انسان‌ها با یکدیگر است، گذاشت. چراکه دمیدن در آتش اختلافات و تفاوت‌ها، مانع از تحقق جهانی‌شدن، صلح و تفاهم می‌شود.

امروزه دنیا قدم‌های بزرگی را در این زمینه برداشته است. به‌طور مثال، آداب و ادیان خرافاتی یا ادیانی که موجب نقض حقوق انسان‌ها می‌شوند، در دنیا درحال فراموش‌شدن و کنار گذاشتن هستند. دنیا به‌سوی فهم درست از دین و قرائت‌های عاقلانه و انسان‌دوستانه درحال حرکت است.

ما نباید از جهانی‌شدن و حرکت به‌سوی یک فرهنگ و فهم‌مشترک ترس و واهمه‌ای داشته باشیم. نباید جهانی‌شدن را انکار کنیم. باید هر چیزی را درست بیان کنیم و از حقیقت و واقعیت نترسیم. بشر، دیوانه نیست؛ اگر ما نیز حرفی برای گفتن یا چیزی برای ارایه داریم، باید آن را ارایه دهیم و اگر قابل توجیه باشد، دنیا از آن استقبال خواهد کرد و آن ایده‌ها یا نظریه‌ها، جهانی خواهند شد. آنچنان که حضرت مولانا و ابن‌سینا و حافظ و سعدی جهانی شده‌اند. به این دلیل که حرفی برای گفتن داشته‌اند. امروز نیز باید تلاش کنیم برای تولید و ارایه بهترین کالاهای فرهنگی و ناب‌ترین نظرگاه‌ها و نظریه‌هایی که قابل ارایه و دفاع باشند. حقوق‌بشر جهانی شده است؛ نباید دایما به حقوق‌بشر ایراد بگیریم و بگوییم که ناقص است؛ البته که هست! چیزی که دستاورد بشر باشد، قطعا ناقص خواهد بود اما این نباید به معنای کنار گذاشتن و انکار و مردود شمردن آن باشد. اگر نظریه بهتری برای ارایه داریم که قابل توجیه‌تر از منشور حقوق‌بشر است، باید آن را ارایه کنیم؛ قطعا جهانیان آن را بر حقوق‌بشر ترجیح می‌دهند و آن را می‌پذیرند. آن‌جا که تفاهم نباشد، صلح نیست، خشونت است؛ و آن‌جایی که خشونت باشد، هم‌صدایی نیست؛ و جهانی‌شدنی هم در کار نخواهد بود.

ادامه از ۹

جامعه ایران در حال حرکت به‌سوی فردگرایی است

تغییر هویت در جامعه ایران، به چه سویی است و چه تغییراتی در گذار از سنت به مدرنیته در این جامعه به‌وجود آمده است؟

جامعه ما، یک جامعه جمع‌گرا بوده است. یعنی گروه و جمع، در تعیین هویت اشخاص، بسیار تعیین‌کننده بوده است. یافته‌های پژوهش‌های جامعه‌شناسی در ۳۰ سال اخیر در ایران، نشان‌دهنده این است که جامعه ایران درحال حرکت به سوی فردگرایی است. یعنی جامعه‌ای که افراد روی «من»شان تأکید می‌کنند. یعنی «من»ی که می‌تواند ارزش‌های کاملا متفاوتی از خانواده، قوم، عشیره، قبیله و با گروهی که پیشتر در آن تعریف می‌شدند، داشته باشد. به عبارتی ما با یک فرآیند کاملا متفاوت و متمایز از جنس هویت‌یابی و از حیث همانندسازی روبه‌رو هستیم که به جامعه ساختاری کاملا متفاوت می‌دهد. آشفتگی و درهم ریختگی هویت شخص باعث می‌شود که فرد نمی‌داند چه می‌خواهد و در کجای دنیا قرار گرفته است. این اتفاق قطعا در مرحله گذار از سنت به مدرنیته رخ خواهد داد و در جامعه ایرانی هم نشانه‌هایش بیش از چیزی است که نیازمند بررسی و مداقه باشد. ارزش‌های مدرن هستند که سرمشق فرد قرار می‌گیرند و در فرآیند هویت‌یابی سرمشق‌های جدیدی برای همانندسازی فرد ایجاد می‌کنند.

هویت‌های جمعی در ایجاد همبستگی میان افراد جامعه چه نقشی دارند؟

یک بخش از فرآیند هویت‌یابی، هویت گروهی است. یکی از نیازهای روانشناختی انسان‌ها، داشتن احساس تعلق به گروه است. یکی از دلایل اقبال بسیار زیاد رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی، ارضای این نیاز است. تمایل به تعریف‌شدن در یک جمع و در یک گروه، نیاز آدمی است. وقتی جامعه فردگرا می‌شود، معنایش این نیست که جامعه از هم گسیخته می‌شود؛ آدم‌ها در چارچوب زندگی شخصی‌شان برای خودشان تعریف مجددی می‌کنند؛ همان‌طور که در زندگی غربی نیز به همین صورت است. اتفاقا من فکر می‌کنم که زمینه این همبستگی ملی در ایران وجود دارد اما باید روی عناصری تأکید شود که کمتر تعارض‌آمیز است. تأکید روی عناصر ایدئولوژیک و ایدئولوژیک کردن مبانی همبستگی‌ملی، صرفا باعث انشقاق ملی خواهد شد. عناصری که عموم مردم جامعه به آنها باور دارند و در باورشان هیچ‌گونه تعارضی با آنها ندارند. ایرانی بودن و نگهداشت این هویت و قومیت‌ملی می‌تواند قوام‌بخش جامعه باشد. یعنی از عناصری باید به‌عنوان قوام‌بخش هویت‌ملی استفاده کرد که میان اقوام مختلف و مرام‌ها و مسلک‌های مختلف، تعارض کمتری وجود داشته باشد.

تریبون استانی

درباره استان لرستان

شانس هم آورده‌ایم!

ابراهیم آقامحمدی
نماینده لرستان در مجلس

استان لرستان یکی از استان‌های غربی ایران با ۲۸ هزار و ۲۹۴ کیلومتر مربع مساحت بیش از یک‌میلیون و ۷۵۴ هزار نفر جمعیت دارد. نرخ بیکاری در این استان ۲۰/۲ درصد است و ۱۵ سال رتبه اول بیکاری کشور را دارد.

اشتغال جوانان به‌دلیل عدم سرمایه‌گذاری‌های مناسب و هدفمند در ابعاد مختلف صنعت، بهداشت، گردشگری و... یکی از مشکلات اساسی است. این استان با داشتن ده‌ها جوان تحصیلکرده در ایجاد اشتغال برای آنها ناتوان است و دلیل آن هم تنها نبود زیرساخت‌های مناسب در این استان است. لرستان با داشتن پتانسیل‌های متعدد، متاسفانه جزو استان‌های محروم است. این استان ۱۴ تا ۱۵ درصد منابع آب کشور را داراست و این ظرفیت را دارد که در آن صنایعی که به آب بیشتری نیاز دارند مانند فولاد راه‌اندازی شود.

> **اگر هر دولتی که روی کار می‌آید، مصوبات و دغدغه‌های دولت قبل را پیگیری کند، بیشتر مشکلات استان‌ها حل می‌شود ولی متاسفانه هر دولتی که روی کار می‌آید، رویکردهای خاص خود را برمی‌گزیند و به مصوبات دولت قبل اعتنایی نمی‌کند که این خود بر مشکلات می‌افزاید**

این استان با داشتن طبیعت زیبا و آبشارهای مختلف همچنین آثار باستانی، پل‌ها و غارهای تاریخی منطقه مساعدی برای گردشگری است ولی متاسفانه به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب و عدم مدیریت، این توانایی بالقوه باقی مانده است.

لرستان به‌دلیل مرکزیتی که دارد، لوله‌های مختلف نفت و گاز از آن می‌گذرد ولی این استان باز از مزایای آن بی‌نصیب است. این استان محروم، پتانسیل مناسب کشاورزی و صنعت را نیز دارد و حتی معادن مختلف سنگ‌آهن و زغال سنگ را در دل خود جا داده است.

راه‌آهن دورود- خرم‌آباد- خوزستان در این استان قدمتی ۷۰ ساله دارد که اگر بودجه مناسب به آن تعلق گیرد، می‌تواند بار بزرگی از حمل‌ونقل کشور بردارد. شوربختانه صنعت کشت و صنعت این استان ۱۰ سال افت و خیز داشت و ۱۰ سالی می‌شود که مطلقا تعطیل است، درحالی‌که این صنعت زمینه ایجاد اشتغال بالای جوانان را دارد.

در هر دولتی مصوباتی برای استان درنظر گرفته می‌شود که تنها در حد همان مصوبه باقی می‌مانند و هیچگاه به مرحله اجرا نمی‌رسند. به‌عنوان مثال، در سفر اول آقای احمدی‌نژاد به این استان برای کشت و صنعت استان مصوبه‌ای تصویب شد تا این صنعت به مزایده گذاشته شود ولی اجرایی نشد تا این که با جلسات مختلفی که با معاونان مختلف برگزار شد درنهایت بانک‌مرکزی را مجبور کردیم مزایده را برگزار کند و در دولت آقای روحانی یک شرکت خارجی با مشارکت یک شرکت داخلی در این زمینه وارد شدند.

در دولت قبل این استان ۶۶۰ مصوبه داشته که به دلیل جدیت در پیگیری و همچنین به دلیل بودجه‌بندی نامناسب همگی ابتر مانده‌اند. با وجود دو فاکتور نیروی جوان و بیکاری مسلم است که همیشه نیل به آسیب‌های اجتماعی خواهیم داشت. نیروی جوان پر از انرژی است و اگر انرژی او در زمینه مناسب صرف شود، خلق زیبایی می‌کند و اگر نیل به بدی کند بار سنگینی روی اجتماع خواهد گذاشت.

در بررسی‌های انجام شده مشخص شده است، بیشتر جوانانی که به فروش یا مصرف موادمخدر رو آورده‌اند به‌دلیل بیکاری بوده و این مشکلی است که بیشتر جوامع با آن دست به گریبان هستند، البته با توجه به حجم بالای بیکاری در این استان، این آمار می‌توانست بالاتر از این باشد ولی خوشبختانه از آنجایی که مردم این خطه دیندار و عزتمند زندگی می‌کنند، این آمار خیلی بالا نیست و دست‌کم در این زمینه شانس هم آورده‌ایم!

> **اشتغال جوانان به‌دلیل عدم سرمایه‌گذاری‌های مناسب و هدفمند در ابعاد مختلف صنعت، بهداشت، گردشگری و... یکی از مشکلات اساسی است. این استان با داشتن ده‌ها جوان تحصیلکرده در ایجاد اشتغال برای آنها ناتوان است و دلیل آن هم تنها نبود زیرساخت‌های مناسب در این استان است. لرستان با داشتن پتانسیل‌های متعدد متاسفانه جزو استان‌های محروم است. این استان ۱۴ تا ۱۵ درصد منابع آب کشور را داراست و این ظرفیت را دارد که در آن صنایعی که به آب بیشتری نیاز دارند مانند فولاد راه‌اندازی شود**

اگر هر دولتی که روی کار می‌آید، مصوبات و دغدغه‌های دولت قبل را پیگیری کند، بیشتر مشکلات استان‌ها حل می‌شود ولی متاسفانه هر دولتی که روی کار می‌آید، رویکردهای خاص خود را برمی‌گزیند و به مصوبات دولت قبل اعتنایی نمی‌کند که این خود بر مشکلات می‌افزاید. ما نمایندگان، مسائل و مشکلات استان‌های خود را به روش‌های گوناگون به گوش وزرا و مسئولان اجرایی می‌رسانیم و این تنها کاری است که می‌توانیم انجام بدهیم. وظیفه مسئولان اجرایی است که آنها را در نظر بگیرند و برای رفع مشکلات بسترسازی کنند. وقتی ما از مشکلات می‌گوییم، تنها پاسخی که می‌شنویم این است که سرمایه‌گذار بیابید، ولی سرمایه‌گذاران به‌دلایل مختلف انگیزه‌ای برای این کار ندارند. اگر برنامه‌ها و زیرساخت‌های بخش دولتی در قسمت‌های مختلف مثل گردشگری، شهرک‌های صنعتی، بهداشت و ... درست انجام می‌شد، امروز سرمایه‌گذار داخلی و حتی خارجی انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری داشت.

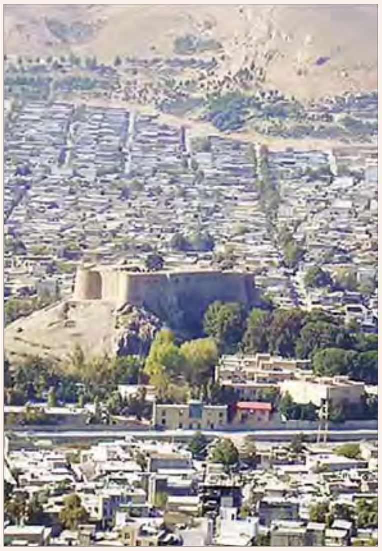

عکس: مهر